

اگر بحث حدس در میان باشد حتماً آن موضوع به صورت اشرافی بر نفس انسان تجلی می‌کند

شماره پرسش: ۵۰۴۷

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۴/۱۸ ۰۵:۰۰:۰۰

متن پرسش

شما معتقدید که هر حدسی از جنس اشراف و علم حضوری است؛ ظاهراً طبق این فرمایش شما، باید حدس زدنِ کروی بودن زمین از طریق دیدنِ دودکش کشتی را حدس ندانیم؛ چون این مثال تماماً استدلال دارد، الا این که آن شخصی که این حدس را زده، این استدلال‌های من را نداشته (که یا باید نور کج شده باشد یا زمین منحنی باشد) و همینجوری به ذهنش رسیده باشد. اما این فرمایش شما (که به انسان اشراف می‌شود)، در مورد کشف حلقوی بودن مولکول بنزن کاملاً صادق است، خصوصاً که با دیدن یک خواب به این جواب رسید. اما آنچه در این مثال باز هم مشکل است، حضوری بودن حدس است؛ در این مثال، کروی بودن مولکول بنزن، نزد آن دانشمند حاضر نبوده تا علمش به این مسأله حضوری باشد. در این مثال حدسِ کروی بودن مولکول بنزن، «معلوم به علم حضوری» چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر بحث حدس در میان باشد حتماً آن موضوع به صورت اشرافی بر نفس انسان تجلی می‌کند ولی یک وقت موضوع حدس حساب نمی‌شود بلکه با تفکر و صغری و کبری به دست می‌آید که از حوزه‌ی حدس بیرون است. همچنان که قبلاً عرض شد زمینه‌های اشرافی موضوع مورد بحث در آن فرد باید فراهم باشد ولی مستقیماً از آن زمینه‌ها نمی‌توان آن نتیجه را به صورت استدلالی گرفت، هرچند بعد از اشراف آن موضوع آن دانشمند می‌تواند برای ارائه و اثبات آنچه به او اشراف شده دلایلی تنظیم کند. از طرفی وقتی معلوم شد آن حدس بر اساس مقدمات حصولی به دست نیامده مگر جایی جز حضوری بودن برای آن علم می‌ماند؟ موفق باشید